

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

گرامی یاد کبیر توخی (پ. رتبیل)
۰۱ می ۲۰۲۴

روز اول ماه می (روز کارگر) به تمام کارگران جهان و کمونیست های راستین و انقلابی خجسته باد!

کارگر!

کارگر، ای کارگر!

بنگر به بیداد سرمایه

خیزشی ده، به ده،

خروشی ده به شهر

هم به بر، و هم به بحر،

بسان اکتوبر

تحرکی ده، به اصناف شهرها

هم به روز مزدان قریه ها،

هم به کسبه کاران دوره گرد

هم به روستائیان بی سرپناه،

هم به کشتگران تهی دست،

که در هر حال و بهر مجال

سرمایه رنگی گیرد و صورتی دیگر

و، در هر دور تسلسل،

بحرانی زاید،

و ز برای رهائی از چنبر آن،

به خود پیچد، چون اژدهای هزار سر

و مزدوران لچرش

این تحریف گران تئوری انهدامش،

چون سگان ولگرد
بر منتقدانش، می جفند و می غرند
و سرمایه،
از پرتگاهی که به نابودی اش کشاند در هر بار
خزد به سوی "نجات"ش!
از برای آنکه،
باردیگر، بیابد جانی دیگر.
و، اما، اینبار
در فرجام، ز نابودی اش بیآغازد تکامل
تکاملی که انجامش انقلاب است
زایش جهان دیگرست (جهان پر ثمر انسانی)
جهانی که نه از ستم، نه از استثمار و نه از استعمار
نباشد در آن اثری
و تو ای کارگر!
برای بنای چنین جهان
ناشکیبا، نا آزموده، نا آشنا،
با شتاب، تاختی بر دژ سرمایه
و کردی کمونی بر پا
از پی آن،
افروختی چراغ پرتو افشان و رهنا
و با چشم باز، آموختی از شکست آن
و کردی اکتوبر نو برپا
از برای ستردن خون هائی که سرمایه ریختانده بود
در تعارض و مصاف با همزادانش
درین سو و آنسوی زمین دود اندود
درجنگ بد فرجام هستی سوزان سالها
و آنگهی، که از برای بلعیدن جهان
و نیروی کار انسان،
دومین تقابل و مصاف، پا گرفته بود
در کشورهای اینطرف و آنطرف زمین زیبا
و بود، انهدام حاکمیت تو
نخستین آماج نیروهای جنگی اش

کارگر !

به یاد داری که در آن جنگ بربریت فاشیستی

خلق کبیرت رخصت اندیشیدن به تو داد

و تو ، اجازت تفکر به حزب دورانسازت

و حزب، سُکان کشتی هستی خلقش را

در حلقهٔ مرکزیت،

و در دستهای پر توان رهبری؛ بنهاد

و رهبری بسپرد سُکان را به رهبر،

که بنشانند بر تارک تَبْحُر "ستراتژیست" های نظامی جهان

- این جنگ افروزان نظام سرمایه -

نگین دانش نجات بشریت، از یوغ فاشیسم عربیان را ...

و تو، که پیشقراول و مشعلدار بودی در آن نبرد

و تو که از درسهای کمون،

و زتهاجم ارتش سرمایه داران جهان بر اکتوبر؛

با پیروزی بر بلندای تکامل پا گذاشتی

و تو که از برای تکامل انقلاب

در تداوم ابعاد جنگ فرساینده و طولانی،

در زیر آتش دشمنان رنگارنگ

"راه طولانی" :

این کار و پیکار و شهکار بی نظیر بشریت را

با شکیبائی و شهامت پیمودی

و رمز و راز " ادامهٔ انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا « را گشودی

کنون برخیز که زمان، زمان خیزش توست

و مکان - این کرهٔ ارض زیبای مان

که با هزاران هزار زخم ناسورش -

ببین ببین که می رود به سوی نیستی

از دست غاتگرانی که در پی غارت جهانند؛

از دست انفجار هائی که در اعماق قلب زخمی اش

آزموده بودند و می آزمایند؛

از دست ریزش افراشات مواد کمیگران پوسیده اندیشه

که در ابحار و جویبارش ریخته بودند و می ریزند؛

از دست دودِ قیرگونی که از کوره های نیرو سوز رنجبران جهان

بر فضای معطر و خوشگوارش پاشیده بودند و می پاشند؛

از دست زباله هائی زهر آگینی که،
بر گودالهای خونین روی سینه غرقه به خونش
انباشته بودند و می انبارند؛
از دست برمه ها، و اره های هزاران هزار دندان
که برپیکر درختان بارورش،
کشیده بودند و می کشند .
بنگر که چه سان می رود به سوی نیستی
کارگر !
راه نجاتش، راه تداوم حیاتش
- حیات زمین زیبای مان -
در گرو نبرد هستی ساز توست

کارگر!

ای "معنی آدم"، که "راحت اعیان ثمر رنج توست"
ای "باعث آبادی عالم"،
که "دولت " انحصارگران جهان " اثر کنج توست " (*).
برخیز، به پا شو !
یورش ببر، بر دژ جنگ افروزان خون آشام
"باید از ریشه بر اندازی "
"کهنه جهان جور و بند"
"و آنگه ، نوین جهانی سازی"
که " هیچ بودگان هر چه گردند"
"روز قطعی جدال است "
"آخرین رزم " تو
"انترناسیونال است "
"نجات انسانها " (**)
نجات انسان و حیوان و زمین و زمان
به دست توست .

ای کارگر !

خروشان شو، موج و طوفان را شو
بکوب به هر سنگ و هر صخره
بکوب به جمجمه پر خدعه و نیرنگ و حيله
بکوب به جمجمه جنگ افروزان " نظم نوین"

و مزدوران گوش به فرمانشان،
که در هر کجای جهان، به اغفال خلق های در بند، مشغولند.

* * * * *

(*) اشعار بین گیمة از زنده یاد لاهوتی است
(**) سرود انترناسیونال از کارگرمبارز کمون پاریس (اوژین پوتیه) در گیمة می باشد.

۲۰۱۰/۰۴/۲۵